



احمد تراهی

دکتر محمدجواد ظریف وزیر محترم امور خارجه طی مصاحبه‌ای که اخیراً با روزنامه اعتماد داشتند در توصیف رفتار امریکایی‌ها در حوزه سیاسی و روابط بین‌الملل به واژه‌ای اشاره کردند تحت عنوان American Exceptionalism که این واژه به معنایی زیادی را هم در حوزه سیاست داخلی امریکادارد و در عین حال آثار حقوقی هم در حقوق داخلی امریکا و هم در حقوق بین‌الملل دارد. بررسی جامع این واژه و آثار آن در حوزه‌هایی که ذکر شد در چارچوب یک مقاله در روزنامه نمی‌گنجد و لذا مقاله حاضر به‌طور اختصار به بررسی این واژه و سابقه آن در دو حوزه سیاسی و حقوق داخلی امریکا می‌پردازد که در واقع می‌تواند مبنایی باشد بر رفتارشناسی سیاسی امریکا در عرصه روابط و تحولات بین‌المللی. اما در همین مقدمه بایستی توضیح بدهم که بررسی این واژه در حقوق بین‌الملل خودش نیازمند بررسی مفصل و جداگانه‌ای است به ویژه آنکه انتقادات زیادی در حوزه حقوق بین‌الملل نسبت به این واژه وارد شده است.

**بخش اول - شناخت واژه در حوزه سیاسی**  
**۱- تعریف و شناخت واژه - American Exceptionalism**

بر مبنای این تئوری سیاسی، امریکا ماهیتاً و ذاتاً inherently متمایز از سایر ملت‌هاست. امریکانست به سایر ملل و ویژگی‌هایی خاص دارد و مأموریت ویژه‌ای برای تغییر و تحولات در دنیا دارد. منسأ این تمایز و برتری، تاریخ، جغرافیا، خصوصیات فرهنگی و نهادهای خاص سیاسی-اقتصادی و اجتماعی این کشور است. در واقع بر مبنای این تئوری امریکاد میان سایر کشورها که از قواعد سیاسی و اجتماعی تقریباً یکسانی پیروی می‌کنند یک استثناست زیرا این کشور مصون‌تر و ایمن‌تر از تمام فجایع و جنگ‌هایی است که در کشورهای دیگر رخ می‌دهد و در عین حال آزادترین، قدرتمندترین و ثروتمندترین کشور دنیاست و در نتیجه خوشبخت‌تر از سایر ملل نیز خواهد بود. اولین کسی که این باور عمومی را به صورت تئوریک مطرح کرد دیپلمات، مورخ و دانشمند سیاسی فرانسوی به نام الکسیس دو توکویل (Alexis de Tocqueville) بود. از مسائل مورد علاقه توکویل توضیحی که در مورد امریکا و آزادی بود و به همین علت پس از سفری که به امریکا داشت طی سال‌های ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۰ در جلد کتاب در مورد امریکا به نگارش در آورد تحت عنوان «دمکراسی در امریکا».

توکویل در کتاب‌های خودش سعی کرده است تا تحلیلی جامع از نظام سیاسی و اجتماعی ایالات متحده امریکا در اوایل قرن نوزدهم ارائه کند و ضمن معرفی ساختارها و فرآیندهای اجتماعی-فرهنگی و سیاسی در امریکا، تصویری از تفاوت‌های جوامع اروپایی و امریکای آن زمان را توصیف کند. وی معتقد بود که در امریکارزش‌های زیاد از جمله آزادی به معنای واقعی آن و به عنوان هدیه‌ای از جانب پروردگار تلقی شده است و بنابراین بایستی بسیار جدی گرفته شود و آگاهانه از آن مراقبت شود. مذهب عشق به آزادی را تسهیل می‌کند و شکل استفاده از آن را بهتر به مردم می‌آموزد. با توجه به نقش گسترده دین و مذهب در امریکا و به ویژه در ایالت‌های مرکزی آن و در آریزونی که توکویل در امریکه سر می‌برد توکویل امریکارمهد عشق به آزادی و دمکراسی می‌دانست و از این جهت این کشور را یک استثنا می‌دانست.

اما این راه منصفانه کنیم که کاربر این اصطلاح در ادبیات سیاسی بین سیاستمداران پس از دو واقعه رونق گرفت. اول اظهار نظری بود که جوزف استالین رهبر شوروی در سال ۱۹۲۹ در انتقاد از اصلاح‌طلبان کمونیست امریکایی مطرح کرد و معتقد بود که آب و هوای سیاسی امریکا منحصر به فرد است و آن را از عناصر تئوریک مارکسیستی متمایز و مستثنی می‌سازد. دوم اینکه موضوع استثنا بودن امریکابه ویژه پس از حوادث یازده سپتامبر در امریکارواج بیشتری گرفت و سیاستمداران امریکایی به ویژه در تبلیغات و سخنرانی‌های خودشان از این واژه استفاده می‌کنند که در بخش نظرات سیاستمداران به آنها اشاره خواهد کرد.

**۲- تفاوت دیدگاه‌ها در مورد اصل استثنایی بودن به دلیل وابستگی و عدم وابستگی به اروپا**

نوع و سطح باور و اعتقاد به استثنایی بودن امریکابه ویژه از نظر تحلیل آن در وابستگی و یا عدم وابستگی به اروپا همواره مورد نظر قرار داشته است و به همین علت دو دیدگاه خاص از این جنبه مطرح شده است. **الف/ دیدگاه استثنایی بودن به دلیل جدا شدن از اروپا** برخی از نویسندگان معتقد هستند که استثنا بودن امریکا بنا به دلایل خاص خود آن کشور نظیر تاریخ، جغرافیا و شرایط طبیعی آن و همچنین رشد و توسعه اقتصادی آن و همچنین تجربه خاص توسعه و رشد دولت در امریکا است که توسط مردم امریکانیز مورد تأیید قرار گرفته است و متفاوت از تجربیاتی بوده است که دولت‌ها در اروپای داشته‌اند همچنان که رشد و محورهای توسعه دولت‌های اروپایی متفاوت از امریکا بوده‌اند. آقای ریچارد روز (Richard Rose) که از مستفکران علوم سیاسی است و سال‌ها نیز در دانشگاه‌ها در بریتانیا حضور داشته و تدریس می‌کرده است مقالاتی را در خصوص این اصل امریکایی به چاپ رساند از جمله در سال ۱۹۸۹ در مقاله‌ای تحت عنوان اقتصاد سیاسی امریکا تا چه اندازه استثنایی است (How Exceptional is the American Political Economy) به تفصیل به شرح این نظریه پرداخت.

**ب/ دیدگاه مستثنی نبودن امریکا و وابستگی امریکابه ساختارهای سیاسی اروپا**

این دیدگاه توسط متفکرانی در حوزه علوم سیاسی مطرح شد که نظریه‌های پسامیال گرایی را مطرح کرده‌اند و مطرح کنندگان چنین نظراتی به Post nationalists معروف هستند. بنابر این دیدگاه، ایالات متحده از تاریخ او جدا نشده است و همچنان ویژگی‌های سیاسی کشورهای اروپایی را حفظ کرده است. بنابر اینس خصلت‌هایی مانند نژادپرستی و یا تمایل به حل منازعات از طریق جنگ



**بررسی ایده American Exceptionalism در حوزه سیاست و حقوق داخلی ایالات متحده**  
**آیا امریکای متمایز از سایر ملت‌هاست؟**

سیاست بین‌المللی به بیان این اصطلاح و واژه بپردازد و از این مسیر راه خودشان را در دنیای سیاست هموار کنند و عمدتاً این سیاستمداران نیز از همان عبارت The City on the Hill برای برجسته کردن نظر انتشان استفاده می‌کنند. به نظرات چند تن از این سیاستمداران معاصر اشاره می‌کنم.

**۴/۱- جان اف کندی**  
کندی رییس جمهوری امریکا از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ بود که ترور شد. کندی در سال ۱۹۶۱ در ایالت ماساچوست خطبای ایراد کرد که مضمون آن چنین بود:

ما شهر روی تپه هستیم (چراغ امید هستیم)، چشم همه مردم به دنبال ما است و دولت ما در هر شاخه‌ای و در هر سطحی، چه داخلی و ایالتی و چه در سطح فدرال باید شهری روی تپه باشد.

**۴/۲- رونالد ریگان**

رونالد ریگان رییس جمهوری امریکاد در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹ بود. او در توصیف ویژگی استثنایی بودن امریکایی بیشتر بر نظرات مذهبی پیرامون مقدس بودن سرزمین امریکا باور دارد که همان سرزمینی است که به مومنین وعده داده شده است. ریگان همچنین معتقد بود که امریکا مهد آزادی است و از جمله معروف «امریکا شهری روی تپه است» «A City on a hill» برای نشان دادن استثنا بودن امریکا استفاده می‌کرد و مقصودش این بود که چون که امریکاشهری روی تپه است همیشه در معرض قضاوت قرار دارد. خانم آن لایز اندرسون (Annelise Anderson) که در دهه ۱۹۸۰ مشاور ارشد سیاسی در کمپین تبلیغاتی ریاست جمهوری آقای ریگان بود در کتابت خود به بنام ریگان در سرزمین خودش (Reagan in his own land) مفسلانه این نظریات را بیان کرده است.

**۴/۳- جورج بوش**  
جورج بوش که رییس جمهوری امریکا در زمانی بود که حمله یازدهم سپتامبر صورت گرفت، پس از این حمله بسیار بر ایده استثنایی بودن امریکا تأکید داشت و اظهار داشت که امریکابه این دلیل مورد حمله قرار گرفته است که چراغ امید آزادی و ایجاد فرصت در سرتاسر جهان است. جورج بوش را می‌توان از سیاستمداران سنتی امریکایی دانست که پایبند به تعاریف سنتی است که مذنبیون و سیاستمداران سنتی امریکا از ایده استثنا بودن امریکادانند.

**۴/۴- باراک اوباما**  
باراک اوباما ریاست جمهوری اسبق امریکا نیز همین عبارت را از جنبه‌های ویژه تر که گرفت یعنی اینکه اقوام و نژادهای گوناگون از سر تا سر دنیا باهمان ادیاه که چراغ امیدشان در امریکاست به این کشور آمده‌اند. اوباما در سال ۲۰۰۶ سخنرانی در دانشگاه ماساچوست با اشاره به وجود دانشجویان از یکصد کشور مختلف در دانشگاه عنوان کرد که دانشجویان مذکور به دنبال یافتن چراغ امید هستند که در جای دیگری از این کره خاکی یافت نمی‌شود. همچنین می‌توانم به سخنرانی آقای اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳ اشاره کنم که اظهار داشت: «گرچه برخی ممکن است مخالف باشند ولیکن من معتقد هستم که امریکایک استثناست.» این اظهارات آقای اوباما در واقع در پاسخ به ولادیمیر پوتین

ایالت یونای امریکاسکی گزیدند و کلیسای مورمون‌ها نیز کلیسای بزرگی است که در شهر سالت لیک سینتی در مرکز ایالت یوتا واقع شده و به کلیسای عیسی مسیح قدیس آخر الزمان (The Church of Jesus Christ of Latter-day Saints) معروف است. مورمون‌ها که در امریکای شمالی بیش از هر قاره دیگری حضور دارند اعتقاد دارند که امریکایک مکان استثنایی است و این مکان استثنایی در واقع مردمان منتخب که همان مورمون‌ها هستند را در هر حواله‌ها و سرتاسر سرزمین امریکا جمع کرده است. بنابر این قانون اساسی امریکا: نظر مورمون‌ها قداست خاصی به همراه دارد.

فیلیپ بارلو (Philip L. Barlow) که مورخ مذهبی امریکایی در دانشگاه هاروارد دست‌مقاله‌ای در نشریه The History of Faith and International Affairs منتشر کرد تحت عنوان سرزمین منتخب، مردم برگزیده استثنایی بودن امریکایی و مذهبی در میان مورمون‌ها

آقای بارلو در این مقاله به نقش استثنایی ایالات متحده در فرهنگ و مذهب مورمون اشاره می‌کند که تقدیر و سرنوشت مورمون‌ها به ایالات متحده وابسته بوده است در عین حالی که تاریخ امریکانیز از تاریخ و تحولات مذهبی مورمون‌ها جدا نیست. بسیاری از سناتورهای کنگره چه دمکرات و چه جمهوریخواه از پیروان جنبش مذهبی مورمون بوده‌اند. اکثر این سناتور‌ها از ایالت یوتا بوده‌اند ولیکن سناتورهای دیگری هم بوده‌اند که از پیروان جنبش مذهبی مورمون بوده‌اند و از ایالت‌های دیگر مانند نیدرلند، کنگره شده‌اند. برای مثال آقای هارولد کانن از حزب دمکرات، بانکرز از حزب دمکرات، هاری ریڈاز حزب دمکرات، هر سه مورمون و از ایالت نوادا بوده‌اند. از سوی دیگر آقای گوردون اسمیت سناتور حزب جمهوریخواه مورمون از ایالت اورگان بوده است. یا آقای مایک کریو سناتور حزب جمهوریخواه از ایالت آیداهو و همچنین خانم سناتور پائولا هلوکینز از ایالت فلوریدا مورمون بوده‌اند. از سناتورهای مشهور حاضر هم می‌توانم به سناتور حزب جمهوریخواه آقای میت رامنی اشاره کنم که جزو مسیحیان مورمون است.

بنابر این، دیدگاه مذهبی مورمون‌ها که بخش نسبتاً مهمی از جامعه مذهبی امریکارا تشکیل می‌دهند و در حوزه اقتدار سیاسی امریکاهم فعال هستند نقش مهمی در جهان و این ایده و رسالت پایه‌احساس مسؤلیت و این تفکر بود که امریکایی‌ها بتوانند و باید هربری در این راه دست بگیرند و حتی مسؤلیت پناهنده‌ی به کسانی را بر عهده دارد که از کشورهای دیگر به امریکامی آیدند. بنابر این بخشی از استثنا بودن امریکار پایه ایده‌های پیوریتی‌ها شکل گرفت. جان وینتراپ (John Winthrop) که یکی از رهبران پیوریتی‌ها و موسس کانی ماساچوست در امریکاد در سده شانزدهم میلادی بود و استعاره‌ای را در مورد استثنا بودن امریکابه کار برد که بعدها مورد استفاده بسیاری از سیاستمداران امریکایی قرار گرفت. استعاره این بود: «شهر بالای تپه» (The city upon a hill) و منظور از این استعاره آن است که امریکا جامعه پاک و مقدسی به بالاست که چراغ امید و مدل و الگوی برای مابقی دنیاست.

**دوم- دیدگاه مذهبی مورمون‌ها**

مورمون‌ها جنبش مذهبی بودند که در دهه ۱۸۲۰ در ایالات نیویورک شروع به فعالیت کردند و رهبران این جنبش آقای جورج اسمیت از موسسان و بنیانگذاران کلیسای مورمون بود. مورمون‌ها خود را جنبش احیایگر می‌دانند و معتقد هستند که تعالیم و آداب و رسوم اصل کلیسا که به فراموشی سپرده شده بودند توسط رهبر این جنبش احیاشده است. این جنبش به شدت بر تعالیم مسیحیت و تقویت نهاد خانواده تأکید دارد. مورمون‌ها عموماً در

بر مبنای این تئوری، امریکا در میان سایر کشورها که از قواعد سیاسی و اجتماعی تقریباً یکسانی پیروی می‌کنند یک استثنا است زیرا این کشور مصون‌تر و ایمن‌تر از تمام فجایع و جنگ‌هایی است که در کشورهای دیگر رخ می‌دهد و در عین حال آزادترین، قدرتمندترین و ثروتمندترین کشور دنیاست و در نتیجه خوشبخت‌تر از سایر ملل نیز خواهد بود. **موضوع استثنا بودن امریکابه ویژه پس از حوادث یازده سپتامبر در امریکارواج بیشتری گرفت و سیاستمداران امریکایی به ویژه در تبلیغات و سخنرانی‌های خودشان از این واژه استفاده می‌کنند.** **با گذشت زمان و به ویژه با هرج و مرج نسبی که به ویژه در حوزه سیاست داخلی امریکاحادث شده است.** برای سیاستمداران امریکایی مشکل است که بتوانند از این ایده دفاع کنند و آن را به دیگران بفروشند و به عبارتی به نظر می‌رسد که جایگاه و خاستگاه این ایده در حوزه سیاست داخلی امریکابه شدت تضعیف شده است چنانکه حتی در پلتفرم حزب دمکرات سال ۲۰۲۰ به این ایده اشاره‌ای نشده است.

بر مبنای این تئوری سیاسی و اجتماعی تقریباً یکسانی پیروی می‌کنند یک استثنا است زیرا این کشور مصون‌تر و ایمن‌تر از تمام فجایع و جنگ‌هایی است که در کشورهای دیگر رخ می‌دهد و در عین حال آزادترین، قدرتمندترین و ثروتمندترین کشور دنیاست و در نتیجه خوشبخت‌تر از سایر ملل نیز خواهد بود. **موضوع استثنا بودن امریکابه ویژه پس از حوادث یازده سپتامبر در امریکارواج بیشتری گرفت و سیاستمداران امریکایی به ویژه در تبلیغات و سخنرانی‌های خودشان از این واژه استفاده می‌کنند.** **با گذشت زمان و به ویژه با هرج و مرج نسبی که به ویژه در حوزه سیاست داخلی امریکاحادث شده است.** برای سیاستمداران امریکایی مشکل است که بتوانند از این ایده دفاع کنند و آن را به دیگران بفروشند و به عبارتی به نظر می‌رسد که جایگاه و خاستگاه این ایده در حوزه سیاست داخلی امریکابه شدت تضعیف شده است چنانکه حتی در پلتفرم حزب دمکرات سال ۲۰۲۰ به این ایده اشاره‌ای نشده است.

در حقوق بین‌الملل قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است. به علت وسعت و حجم مباحث حقوق بین‌الملل، در این قسمت آثار این ایده را صرفاً در حوزه حقوق داخلی امریکا بررسی می‌کنم. در حقوق داخلی امریکایده استثنایی بودن امریکانوعی ناسیونالیسم امریکایی باعث آن شده تا در چهار دسته از نهادها و قوانین حقوقی امریکاشامل وجود هیات منصفه در دلاوی مدنی، تحقیقات مقدم بر دادرسی‌های مدنی، نقش نسبتاً منفعلانه قاضی در دادرسی و روش استفاده از نظر کارشناسان و متخصصین در دعوای مختلف (حداقل تا جایی که اینجانب بررسی کرده‌ام) بتوانیم بگوییم این ایده حاکم بوده است که حقوق داخلی امریکاراکاملاً جدا و مستثنی از حقوق داخلی سایر سیستم‌های حقوقی مشابه، یعنی سیستم‌های حقوقی کشورهای کامن‌لا، کرده باشد که مختصر ایه دو دسته از این نهادها و قوانین اشاره می‌کنم.

**اول- وجود هیات منصفه در دعوای مدنی**  
**Civil Jury**

عموماً دادگاه‌هایی که با حضور هیات منصفه برگزار می‌شوند و به آنها Jury Trial گفته می‌شود بیشتر در کشورهای انگلیسی‌زبان که دارای سیستم کامن‌لا هستند و در پرونده‌های کیفری یافت می‌شوند. حالیه که در امریکا هیات منصفه فقط در دادرسی‌های کیفری حضور دارند بلکه در دادرسی‌های مدنی نیز حضوری گسترده دارند. مبنای قانونی وجود هیات منصفه در دادرسی‌های مدنی در امریکادر اصلاحیه‌های پنجم، ششم و هفتم قانون اساسی امریکایافت می‌شوند. اصلاحیه هفتم قانون اساسی امریکا به ویژه در خصوص دعوای مدنی است که مقرر داشته است: «در دعوای حقوق نانوشته، هنگامی که ارزش مساله مورد اختلاف بیش از بیست دلار باشد، حق رسیدگی هیات منصفه محفوظ خواهد بود». به همین ترتیب در اغلب قوانین ایالت‌ها نیز این حق مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال می‌توانم به مواد ۱ و ۲ قانون اساسی ایالت نیویورک اشاره کنم که مقرر داشته‌اند حق دسترسی به هیات منصفه تا ابد باقی می‌ماند. البته شیوه و نحوه به کارگیری هیات منصفه در هر ایالتی بر اساس مقررات همان ایالت تعیین می‌شوند. حقوقدانان امریکا وجود هیات منصفه در دادرسی‌های مدنی را به این نحو توجیه می‌کنند که این روش دادرسی به افراد و مردم عادی که تخصص ویژه‌ای هم ندارند امکان و اجازه نظارت و بررسی دادرسی‌ها را در همه سطوح دعوای می‌دهد و این اعتقاد وجود دارد که این روش مشارکت مردم در دادرسی تضمینی است برای عدالت بودن و قانونی بودن دادرسی‌ها حتی در دعوای مدنی که در واقع دعوای خصوصی هستند چندانکه راهم باید اضافه کنم. اول اینکه دعوای خانواده‌ای اگرچه دعوای خصوصی هستند ولیکن نیازمند هیات منصفه نیستند و بر عرصه دیگری را دنبال می‌کنند. دوم اینکه تعداد اعضای هیات منصفه در دعوای کیفری ۱۲ نفر و در دعوای مدنی ۶ نفر هستند. سوم اینکه عضویت در هیات منصفه یک کار داوطلبانه نیست بلکه در صورت واجد شرایط بودن امری اجباری خواهد بود و قانون خدمت و انتخاب هیات منصفه (Jury Selection and Service Act) مصوب ۱۹۶۸ مقررات جامعی را در این خصوص وضع کرده است. اگرچه بحث رایج به این ویژگی حقوق داخلی امریکابسیار گسترده است ولی به بیان همین نکته کافیست که این ویژگی موجب شده است تا بسیاری از حقوقدانان امریکایی نیز با بیان این ویژگی آن را به عنوان استثنایی بودن امریکاطرح کنند.

**دوم- روش تحقیقات مقدم بر دادرسی**  
**Discovery (Admission of Facts)**

یکی دیگر از ویژگی‌های دادرسی مدنی در امریکاین است که برخلاف سایر سیستم‌های دادرسی مدنی طرفین دعوی در بر عرصه امری درگیر می‌شوند که به آن Discovery گفته می‌شود. در این روش هر طرف دعوی می‌تواند به واسطه اختیاری که قوانین دادرسی مدنی به او داده است مدارک لازم را از طرف مقابل و دیگران درخواست کند. چنین درخواستی می‌تواند از طریق آرایه سوالات، درخواست شهادت یا درخواست برای پذیرش و یا عدم پذیرش امری و یا تولید و ارائه مدارک توسط طرف مقابل صورت بگیرد. تولید و پذیرش امری عموماً در همه سیستم‌های دادرسی مدنی ایالت‌های امریکاپیش بینی شده‌اند. برای مثال قانون آیین دادرسی مدنی ایالت کالیفرنیا در ماده ۲۰۳۱، ۲۰۳۱، ۲۰۳۱ مقرراتی درباره چگونگی انجام این امور پیش بینی شده است. چنین مقرراتی کاملاً شفاف و قوانین انگلیس هم پیش بینی شده بود ولیکن در مقررات دادرسی مدنی امریکا اولادامنه این مقررات گسترده تر شده‌اند و ثانیاً جنبه‌های اجباری آن به نحو چشمگیری افزایش یافته‌اند. استدلال حقوقدانان امریکایی هم برای امری این نحوه دادرسی آن است که اعطای این قدرت به طرفین دعوی بیشتر منجر به هم‌ترازی آن خواهد شد یعنی که طرف دعوی ضعیف می‌تواند از طرف قوی درخواست آرایه مدارک قبلی از دادگاه بماند و در واقع اعتقاد بر این است که این اختیارات عدالت مدنی را در دادرسی‌ها بیشتر فراهم می‌آورد.

**نتیجه**  
ایده استثنایی بودن امریکا اگرچه در حوزه سیاسی و مذهبی مورد حمایت سیاستمداران امریکایی قرار داشته است و محور برای تبلیغات آنها محسوب می‌شده است ولیکن با گذشت زمان و به ویژه با هرج و مرج نسبی که به ویژه در حوزه سیاست داخلی امریکاحادث شده است برای سیاستمداران امریکایی مشکل است که بتوانند از این ایده دفاع کنند و آن را به دیگران بفروشند و به عبارتی به نظر می‌رسد که جایگاه و خاستگاه این ایده در حوزه سیاست داخلی امریکابه شدت تضعیف شده است چنانکه حتی در پلتفرم حزب دمکرات سال ۲۰۲۰ به این ایده اشاره‌ای نشده است. در حوزه حقوق داخلی امریکاهم استثنا بودن امریکا متفاوت است و به معنای مقررات و سیاست‌های حقوقی متفاوت از سایر کشورهایی است که از این ایده دفاع کنند و آن را به دیگران بفروشند و به عبارتی به نظر می‌رسد که جایگاه و خاستگاه این ایده در حوزه سیاست داخلی امریکابه شدت تضعیف شده است چنانکه حتی در پلتفرم حزب دمکرات سال ۲۰۲۰ به این ایده اشاره‌ای نشده است.

**بخش دوم- بررسی آثار و تبعات ایده استثنایی بودن امریکادر حوزه حقوقی**

ایده استثنایی بودن امریکاهم در حقوق داخلی امریکاهم

فقط با ذکر منبع مجاز است،»